



# اول

## پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

### واژگان

#### ■ أَجِبِ الْأَسْئَلَةَ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ وَالْجَوَارِ

- ۱- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ: «قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ»  
 (۱) می‌دانم (۲) دانا (۳) دانست (۴) داناتر
- ۲- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ: «إِنَّ الْعَمَلَ أَقْدَسُ مَا فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ!»  
 (۱) مقدس (۲) مقدس‌ترین (۳) مقدس‌تر (۴) پاک شد
- ۳- «عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:  
 (۱) خوب (۲) خوب‌ترین (۳) خوبی (۴) خوب‌تر
- ۴- «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْبِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.» عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:  
 (۱) بزرگ (۲) بزرگی (۳) بزرگ‌تر (۴) بزرگ‌ترین
- ۵- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ كَلِمَةِ «إِثْمٍ» فِي آيَةِ «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»:  
 (۱) گمان (۲) تهمت (۳) گناه (۴) سرکشی
- ۶- عَيَّنِ الْأَنْسَبَ لِلْفَرَاغِ: «.....»، إِتِهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ!  
 (۱) التَّجَسُّسُ (۲) سَوْءُ الظَّنِّ (۳) الظُّلْمُ (۴) الفُسُوقُ
- ۷- عَيَّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: «حَرَّمَ اللَّهُ..... لِلنَّاسِ»  
 (۱) الإِسْتِهْزَاءُ (۲) الْغَيْبَةُ (۳) الْحَيَرُ (۴) سَوْءُ الظَّنِّ
- ۸- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَادِرِ: «إِقْتِرَابٌ: نَزْدِيكٌ شَدَنَ / تَعَلَّمَ: يَادُ غَرَفْتَنَ / تَبَادُلٌ: عَوْضُ كَرَدَنَ / إِنْكَسَارٌ: شَكْسْتَه شَدَنَ»  
 (۱) كانا يقتربان: نزدیک می‌شدند!  
 (۲) أَنْ تَتَعَلَّمَ: که یاد می‌گیرید!  
 (۳) سَأَتَبَادَلُ: عوض خواهد کرد!  
 (۴) إِنْكَسَرْتُمْ: شکسته شوید!
- ۹- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَادِرِ: «تَلْقَيْبٌ: لِقَبْ دَادَنَ / إِسْتِهْزَاءٌ: رِيَشَخْدَنَ كَرَدَنَ / تَسْمِيَةٌ: نَامِيدَنَ / إِغْتِيَابٌ: غَيْبِتْ كَرَدَنَ»  
 (۱) ما كَانَ يُلقَبُ: لقب نداد!  
 (۲) كانوا لا يَغْتَابُونَ: غیبت نمی‌کردند!  
 (۳) يُسَمَّى: می‌نامد!  
 (۴) لا تَسْتَهْزِؤُوا: ریشخند نکردید!
- ۱۰- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْفِعْلَيْنِ فِي حَدِيثِ «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!»:  
 (۱) فرستاد / تا کامل شود! (۲) فرستادم / تا کامل کنم! (۳) فرستاده شدم / تا کامل کنم! (۴) فرستادم / تا کامل شوم!
- ۱۱- عَيَّنِ الْخَطَأَ لِتَرْجَمَةِ التَّرَاكِبِ التَّالِيَةِ:  
 (۱) يا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ: ای مهربان مهربانان!  
 (۲) يا عَلَامَ الْغُيُوبِ: ای بسیار دانای نهرانها!  
 (۳) يا غَافِرَ الْخَطَايَا: ای آمرزنده خطاها!  
 (۴) يا سَاطِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: ای پوشاننده هر عیب‌داری!
- ۱۲- عَيَّنِ الْخَطَأَ لِتَرْجَمَةِ التَّرَاكِبِ التَّالِيَةِ:  
 (۱) يا أَسْرَعَ الْحَابِسِينَ: ای سریع‌ترین شمارندگان!  
 (۲) يا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ: ای بزرگ‌تر از هر بزرگی!  
 (۳) يا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ: ای بهتر از نیکوکاران!  
 (۴) يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ: ای بالا برنده مرتبه‌ها!

۱۳- «أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ زَائِدٌ ثَلَاثَةٌ وَ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي سَبْعَةً وَ تِسْعِينَ»: ما هُوَ الصَّحِيحُ لِتَرْجَمَةِ الأَعْدَادِ:

- (۱) چهل و پنج / چهل و سه / هشتاد و هشت  
 (۲) پنجاه و چهار / چهل و سه / نود و هفت  
 (۳) چهل و چهار / سی و چهار / هفتاد و هشت  
 (۴) پنجاه و پنج / سی و چهار / هشتاد و نه

۱۴- «أَخَذْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ مِنْ مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ؛ فِي خَمْسَةِ أَيَّامٍ قَرَأْتُ السِّطْرَ التَّاسِعَ عَشَرَ مِنَ الصَّفْحَةِ السَّادِسَةِ مِنَ الْكِتَابِ الثَّانِي.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الأَعْدَادِ:

- (۱) سه / پنجم / نوزدهم / ششم / دوم  
 (۲) سوم / پنج / نوزده / ششم / دوم  
 (۳) سه / پنج / نوزدهم / ششم / دوم  
 (۴) سوم / پنجم / نوزده / شش / دو

۱۵- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ مُتَضَادِّ الكَلِمَاتِ:

- (۱) الخَيْرُ ≠ الشَّرُّ (۲) القَبِيحَةُ ≠ الجَمِيلَةُ (۳) حَفِيٌّ ≠ سَتِيرٌ (۴) اِبْتَعَدَ ≠ اِقْتَرَبَ

۱۶- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ مُتَرَادِفِ الكَلِمَاتِ:

- (۱) الحُسْنُ = الخَيْرُ (۲) غَالِي = زَخِيصٌ (۳) الإِثْمُ = الذَّنْبُ (۴) عَابَ = لَمَزَ

۱۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) كَرِهَ = فَسَقَ (۲) حَزَمَ = أَحَلَّ (۳) حَيٌّ = مَيِّتٌ (۴) عَسَى = زُيِّمًا

۱۸- عَيِّنِ جَوَابًا كُلَّ كَلِمَاتِهِ الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ:

- (۱) أَخْلَاقٌ / مَفَسَّرِينَ / لُحُومٌ / مَلَاعِبٌ  
 (۲) أَسْرَارٌ / سَرَاوِيلٌ / مَنَازِلٌ / قَوْمٌ  
 (۳) كِبَائِرٌ / مَطَاعِمٌ / أَسْبَابٌ / مَوْتَى  
 (۴) ذُنُوبٌ / النَّاسُ / أَسْعَارٌ / مَكَاتِبٌ

۱۹- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ صِيَاغَةِ الْجَمْعِ الْمَكْسَرِ:

- (۱) قُسْتَانٌ ← قَسَاتِينٌ (۲) عَالِمٌ ← أَعْلَمَ (۳) لَوْنٌ ← أَلْوَانٌ (۴) دُعَاءٌ ← أَدْعِيَةٌ

۲۰- عَيِّنِ عِبَارَةً مَاجَاءَ فِيهَا جَمْعٌ مَكْسَرٌ:

- (۱) لَا تَذَكَّرُ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ!  
 (۲) أَنَا لَا أَسْمِي النَّاسَ بِالأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ!  
 (۳) لَا تُلَقَّبُوهُمْ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا!  
 (۴) «وَأَتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ تَوَّابٌ رَحِيمٌ»!

۲۱- أَيُّ مُنْتَخَبٍ خَطَأٌ لِلعِبَارَاتِ:

- (۱) أَلْسَعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ: (الْتَجَسُّسُ)  
 (۲) ذَكَرْتُ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِدُونِ حُضُورِهِمْ: (العَبِيَّةُ)  
 (۳) ذَكَرْتُ الكَلِمَاتِ الْقَبِيحَةَ لِاحْتِقَارِ الْآخَرِينَ: (سَوْءُ الظَّنِّ)  
 (۴) ذَكَرْتُ التَّدَمُّعَ بَعْدَ عَمَلِ سَيِّئٍ وَ السَّعْيَ لِتَعْوِيضِهِ: (التَّوْبَةُ)

۲۲- مَنْ يَدْخُلُ المَتَجَرَ وَ يَسْأَلُ أَسْعَارَ السَّرَاوِيلِ مِنَ البَائِعِ فَيَقُولُ لَهُ البَائِعُ: ..... عَيِّنِ الجَوَابَ عَجِزَ المُنَاسِبِ:

- (۱) أَلْسِرْوَالُ الرَّجَالِيِّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَانٍ!  
 (۲) بَعِزُّ تَلِكِ القُسْتَانُ خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ أَلْفَ تومَانٍ!  
 (۳) أَلْسِرْوَالُ النِّسَائِيِّ بِسَبْعَةٍ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ تومَانٍ!  
 (۴) الأَسْعَارُ مِنَ خَمْسَةِ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفًا إِلَى تِسْعِينَ أَلْفَ تومَانٍ!

### ترجمه و مفهوم

■ عَيِّنِ الأَصْحَحَ وَ الأَدَقَّ فِي الأَجْوِبَةِ لِتَرْجَمَةِ أَوْ المَفْهُومِ

۲۳- «قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ أَحَدٌ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ العُجْبِ!»

- (۱) کسی از بین مردم، بهترین است، پس بر ماست که از خودپسندی دور شویم!  
 (۲) گاهی بین مردم، کسی می‌باشد که او بهتر از ماست، پس بر ماست که از خودپسندی دور شویم!  
 (۳) کسی بین مردم، بهتر از ما می‌باشد، پس باید خودمان را از خودپسندی دور کنیم!  
 (۴) گاهی بین مردم، کسی بهتر از ماست، پس باید خودپسندی از ما دور شود!

## ۲۴- «كَانَتِ السَّائِحَاتُ يَذْهَبْنَ إِلَىٰ أَكْبَرِ مَكْتَبَةِ خَوْزِسْتَانَ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ»: گردشگران .....

- (۱) به بزرگ‌ترین کتابخانه خوزستان در جهان قدیم می‌روند!  
 (۲) به کتابخانه بزرگ خوزستان در دنیای قدیم می‌رفتند!  
 (۳) به بزرگ‌ترین کتابخانه خوزستان در جهان قدیم می‌رفتند!  
 (۴) به کتابخانه بزرگ‌تر خوزستان در دنیای قدیم می‌روند!

## ۲۵- «أَيُّ حَيْثُ أَحَدَكُمُ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا فَكَرَهُتُمُوهُ»:

- (۱) آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادرش را [که] مرده، بخورد پس از آن کراهت دارید!  
 (۲) آیا کسی دوست می‌داشت که گوشت برادرش را [که] مرده، بخورد پس از آن کراهت دارید!  
 (۳) آیا کسی از شما دوست داشت که گوشت برادرش را [که] مرده، می‌خورد پس از آن کراهت دارید!  
 (۴) آیا کسی دوست می‌دارد که گوشت برادر را [که] مرده، بخورد پس از آن کراهت دارید!

## ۲۶- «أَنَا وَ أَخِي الْأَكْبَرُ لَا نَذْكُرُ غُيُوبَ أَصْدِقَائِنَا بِكَلَامِ حَفِيٍّ وَ سَوْفَ لَا نَتَجَسَّسُ فِي أُمُورِهِمْ»:

- (۱) من و برادر بزرگم عیب دوستانمان را با سخنی پنهان یاد نمی‌کنیم و در کارهایشان جاسوسی نخواهیم کرد!  
 (۲) من و برادر بزرگ‌ترم عیب‌های دوستانمان را با سخنی پنهان یاد نمی‌کنیم و در کارهایشان جاسوسی نخواهیم کرد!  
 (۳) من و بزرگ‌ترین برادرم عیب‌های دوستم را با سخنی پنهان یاد نکردیم و در کارهایشان جاسوسی نکردیم!  
 (۴) من و برادرم بزرگ هستیم عیب‌های دوستانمان با سخنی پنهان یاد نمی‌شود و در کارهایشان جاسوسی نخواهد شد!

## ۲۷- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» ای کسانی که ایمان آوردید .....

- (۱) چرا مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند می‌کنند، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان باشند!  
 (۲) نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان باشند!  
 (۳) قومی، قوم [دیگر] را ریشخند نکنید، شاید که آن‌ها بهترینشان باشند!  
 (۴) نباید قومی، قومی [دیگر] را ریشخند می‌کرد، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان بودند!

## ۲۸- «جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»:

- (۱) شما را ملت و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که تقوا پیشه کند!  
 (۲) شما را ملت و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست!  
 (۳) شما را ملت‌هایی و قبیله‌هایی قرار دادیم تا دیگران را بشناسید به راستی نزد خداوند باتقواترین شما گرامی است!  
 (۴) شما را ملت‌هایی و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست!

## ۲۹- «بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»:

- (۱) بد نامی است فسق بعد از ایمان؛ و کسانی که توبه نکنند پس اینان همان ستمکاران هستند!  
 (۲) آلوده شدن به گناه بعد از ایمان اسم خوبی نیست؛ و کسانی که توبه نمی‌کنند پس آنان همان ستمکاران هستند!  
 (۳) بد اسمی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان؛ و هر که توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند!  
 (۴) آلوده شدن به گناه بعد از ایمان نام بدی است؛ و کسی که توبه نمی‌کند پس او همان ستمکار هستند!

## ۳۰- «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»:

- (۱) و از صدایت بکاه، زیرا بدترین صداها قطعاً صدای خران است!  
 (۲) و از صدایش کاست، زیرا از بدترین صداها قطعاً صدای خران است!  
 (۳) و از صدایتان بکاهید، زیرا بدترین صداها قطعاً صدای خران است!  
 (۴) و از صدایت بکاه، زیرا از میان صداها قطعاً خر صدای بدی دارد!

## ۳۱- «فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ يُحَرِّمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ وَ تَسْمِيَتَهُمُ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ»: در این دو آیه .....

- (۱) ریشخند کردن دیگران و نام نهادنشان با اسم‌های زشت حرام شده است!  
 (۲) مسخره کردن یکدیگر و نام‌گذاری با اسم‌های زشت حرام می‌شود!  
 (۳) ریشخند کردن دیگری و نام نهادن با اسم زشت حرام شده است!  
 (۴) ریشخند کردن دیگران و نامیدنشان با اسم‌های زشت حرام می‌شود!

## ۳۲- «إِنَّ يَعْلَمِ النَّاسُ أَنَّ الْغَيْبَةَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَهُمْ لَا يَفْعَلُوا هَذَا الْعَمَلَ الْقَبِيحَ»:

- (۱) اگر مردم بدانند که غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان آن‌ها است این کار زشت را انجام نمی‌دهند!  
 (۲) همانا مردم می‌دانند که غیبت از علت‌های مهم قطع ارتباط میانشان است پس آن کار زشت را انجام نمی‌دهند!  
 (۳) اگر مردم می‌دانستند غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میانشان است این کار زشت را انجام نمی‌دادند!  
 (۴) اگر مردم بدانند که غیبت از مهم‌ترین علت قطع ارتباط میان آن‌ها است این کار زشت را انجام نمی‌دهند!

## ۳۳- «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ يَزِيدُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ!»:

- (۱) مردم کسی را که علم مردم را به علم خود می‌افزاید، دانا می‌دانند! (۲) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود می‌افزاید!  
(۳) مردمی که علم مردم دیگر را به علم خودشان می‌افزایند، دانا می‌دانم! (۴) داناترین مردم کسانی هستند که دانش دیگران را به علمشان می‌افزایند!

## ۳۴- «الْمُتَجَسِّسُونَ سَيَحَاوِلُونَ لِكَشْفِ أَسْرَارِ جِيرَانِهِمْ أَوْ أَقْرَبَائِهِمْ لِيَفْضَحُوهُمْ!» جاسوسان برای کشف.....

- (۱) راز همسایگان‌شان یا نزدیکان خود تلاش خواهند کرد تا آن‌ها را رسوا کنند!  
(۲) رازهای همسایگان یا خویشاوندان خود تلاش می‌کنند و آن‌ها را رسوا می‌کنند!  
(۳) رازهای همسایگان‌شان یا خویشاوندان‌شان تلاش خواهند کرد تا آن‌ها را رسوا کنند!  
(۴) راز همسایه‌شان یا خویشاوندان‌شان تلاش کردند تا آن‌ها را رسوا کنند!

## ۳۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: هر کس خلقش بد شود خودش را عذاب می‌دهد.  
(۲) النَّدَمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ: پشیمانی بر سکوت کردن بهتر از پشیمانی بر سخن گفتن است.  
(۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ: در ترازو چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.  
(۴) سُمِّيَتْ سُورَةُ الْحَجَرَاتِ سُورَةَ الْأَخْلَاقِ: سورة حجرات را سورة اخلاق نامیدند.

## ۳۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَنْصَحُنَا الْآيَةَ الْأُولَى: اول آیه ما را نصیحت می‌کند،  
(۲) وَ تَقُولُ لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ: و می‌گوید عیب‌جویی یکدیگر را نکنید،  
(۳) وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَهَا: و با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، ایشان را لقب ندهید،  
(۴) وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ! و هر کس این را انجام دهد پس او از ستمگران است.

## ۳۷- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) أَكْبَرَ الْحَمَقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ! بزرگ‌ترین نادانی زیاده‌روی در ستایش و سرزنش است!  
(۲) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ! بدترین مردم، دارای دو رو است!  
(۳) الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ! همنشین درستکار بهتر از تنهایی است!  
(۴) حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ! به سوی کار خوب بشتاب!

## ۳۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگار فرا بخوان،  
(۲) «وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: و با آن‌ها به روشی نیکو ستیز کن،  
(۳) «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»: به راستی پروردگارت، می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است،  
(۴) «وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»: و او به هدایت‌شدگان داناتر است!

## ۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) الْمُؤْمِنُونَ يَتَّقُونَ اللَّهَ لِأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ! مؤمنان از خدا پروا می‌کنند زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است!  
(۲) قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا! بین مردم کسی است که او بهتر از ماست!  
(۳) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ الْآخِرِينَ! بهترین مردم کسی است که به دیگران کمک می‌کند!  
(۴) لِكُلِّ فَصْلٍ ثَلَاثَةٌ أَشْهُرٍ! هر فصلی سه ماه است!

## ۴۰- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) أَرِيدُ اللَّهَ أَنْ يُحَسِّنَ خُلُقِي! از خداوند خواستم که خوی مرا نیکو کند!  
(۲) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ! به راستی خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد!  
(۳) يَعْتَقِدُ الْمَظْلُومُونَ أَنَّ اللَّهَ أَسْمَعُ السَّامِعِينَ! ستمدیدگان اعتقاد دارند که خداوند شنواترین شنوندگان است!  
(۴) عِنْدَمَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ أُحِسُّ السَّكِينَةَ فِي قَلْبِي! هنگامی که قرآن خوانده می‌شود آرامش را در قلبم احساس می‌کنم!

## ۴۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) الغَيْبَةُ وَالتَّجَسُّسُ مِنَ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ! غيبت و جاسوسی از بزرگ‌ترین گناهان هستند!  
 (۲) قَدْ نَسَى أَنَّ اللَّهَ سَتَّارُ الْغُيُوبِ! گاهی فراموش می‌کنیم که خداوند پوشانندهٔ عیب‌ها است!  
 (۳) «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»: بگو آن را کسی فرستاد که راز در آسمان‌ها و زمین را می‌داند!  
 (۴) كَاتِمِ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ! پوشانندهٔ علم، هر چیزی را او لعنت می‌کند!

## ۴۲- عَيْنِ الْأَنْسَبِ فِي الْمَفْهُومِ لِعِبَارَةِ «عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ!»:

- (۱) از کوزه همان برون تراود که در اوست!  
 (۲) دشمن دانا به از دوست نادان!  
 (۳) جاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی!  
 (۴) زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است!

## ۴۳- عَيْنِ الْأَقْرَبِ فِي الْمَفْهُومِ لِعِبَارَةِ «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!»:

- (۱) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!  
 (۲) أَحْسَنُ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعْبُدُ قُلُوبَهُمْ!  
 (۳) صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لَا مَنْ صَدَّقَكَ!  
 (۴) عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!

## درک مطلب

## ■ افترأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ

❁ «قَدْ يَكُونُ بَيْنَ الْأَصْدِقَاءِ أَوْ الزُّمَلَاءِ مَنْ هُمْ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نُبْعِدَ عَنِ الْعَجَبِ. عَلَيْنَا أَحْسَنُ أَنْ نَجْعَلَهُمْ أُسُوءَ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَانَا الْعَالِيَةِ وَ نُرِيدَ مِنْهُمْ أَنْ يُسَاعِدُونَا فِي هَذَا الطَّرِيقِ لِنَنْجَحَ. حَسُنَ الظَّنُّ يُسَبِّبُ أَنْ نَعْتَمِدَ بِأَصْدِقَائِنَا وَ زَمَلَانِنَا فِي الْحَيَاةِ وَ لَا نَتَّهَمُهُمْ بِدُونِ دَلِيلٍ فَتُشَاهِدُ الْخَبِيرَاتِ وَ نَجْتَنِبُ مِنْ سُوءِ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسِ فِي أَعْمَالِ الْآخَرِينَ.

لِكُلِّ أَحَدٍ عُيُوبٌ وَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ فِي غِيَابِهِمْ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. مَنْ يَسْخَرُ مِنَ الْآخَرِينَ وَ يُلَقِّبُهُم بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ وَ يَتَّجَسَّسُ فِي أُمُورِهِمْ يَفْعَلُ الذُّنُوبَ الْكَبِيرَةَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ عَلَيْهِ أَنْ يَتُوبَ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ. قَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

## ۴۴- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ النَّصِّ:

- (۱) عَلَيْنَا أَحْسَنُ أَنْ نَجْتَنِبَ عَنِ التَّجَسُّسِ!  
 (۲) سُوءُ الظَّنِّ سَبَبٌ إِعْتِمَادَنَا فِي الْحَيَاةِ!  
 (۳) لَيْسَ بِدُونِ الْعَيْبِ أَحَدًا! (لَا أَحَدٌ دُونَ الْعَيْبِ!)  
 (۴) بَعْضُ الْأَصْدِقَاءِ أَحْسَنُ مِنَّا!

## ۴۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) التَّجَسُّسُ فِي حَيَاةِ النَّاسِ مِنَ الذُّنُوبِ الْكَبِيرَةِ!  
 (۲) لَيْسَ إِسْتِهْزَاءُ الْآخَرِينَ مِنَ الْكِبَائِرِ!  
 (۳) ذَكَرُ الْعُيُوبِ فِي غِيَابِ الْآخَرِينَ خَيْرٌ مِنْ سِتْرِهَا!  
 (۴) لِلْإِنْسَانِ أَحْسَنُ أَنْ يَتَّهَمَ أَصْدِقَاءَهُ بِدُونِ دَلِيلٍ!

## ۴۶- عَلَى حَسَبِ النَّصِّ «..... مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

- (۱) التَّجَسُّسُ (۲) سُوءُ الظَّنِّ (۳) الْغَيْبَةُ (۴) الْإِسْتِهْزَاءُ

❁ إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَخْلُو مِنَ الْمَتَاعِبِ وَ الْمَشَاكِلِ، وَ الْإِنْسَانُ يُوَاجِهُهُ فِي حَيَاتِهِ الْمَشْكِلاتِ دَائِمًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ حَتَّى لَا يَكُونَ وَحِيدًا. زُوي عَنِ النَّبِيِّ الْأَكْرَمِ صلى الله عليه وآله أَنَّ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ وَ الْآخَرِينَ وَ لَكِنَّ حَسْنَ الخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوْدَةَ. كُلُّ شَيْءٍ فِي الطَّبِيعَةِ بِاسْمٍ. فَالزُّهْرُ بِاسْمِهِ وَ الْغَابَاتُ وَ الْبِحَارُ وَ الْأَنْهَارُ وَ السَّمَاءُ وَ النُّجُومُ وَ الطُّيُورُ كُلُّهَا بِاسْمَةٍ وَ الْإِنْسَانُ كَذَلِكَ بِاسْمٍ بِطَبِيعِهِ. كُلُّ إِنْسَانٍ بَرَى الدُّنْيَا مِنْ خِلَالِ خُلُقِهِ وَ فِكْرِهِ، مَنْ حَسَنَ خُلُقُهُ حَفِظَ دِينَهُ وَ سَهَّلَتْ لَهُ طُرُقَ الْعَيْشِ فَبَرَى الدُّنْيَا وَ مَخْلُوقَاتِهِ جَمِيلًا كَمَا خُلِقَتْ. مَنْ كَانَ لَهُ خُلُقٌ سُوءٌ يَفْقِدُ أَصْدِقَاءَهُ لِأَنَّهُمْ لَا يُشَاهِدُونَ عَمَلَهُ الْخَبِيرَ بِسَبَبِ سُوءِ خُلُقِهِ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «سُوءُ الخُلُقِ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الخُلُقُ الْعَسَلَ». إِذَا طَلَبْتَ الْإِبْتِسَامَ لِلْحَيَاةِ فَحَارِبْ سُوءَ الخُلُقِ. زُوي عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الخُلُقِ الْحَسَنِ» وَ قَالَ أَيْضًا «التَّقْوَى وَ حَسَنُ الخُلُقِ سَبَبٌ ذَهَابِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ».

۴۷- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ النَّصِّ: مِنْ رَأْيِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله.....

- (۱) سُوءُ الخُلُقِ سَبَبٌ فِسادِ الْعَمَلِ!  
 (۲) يَذْهَبُ<sup>۲</sup> حَسَنُ الخُلُقِ بِالْأُمَّةِ إِلَى الْجَنَّةِ فَقَطًّا!  
 (۳) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ!  
 (۴) أَثْقَلُ الشَّيْءِ فِي الْمِيزَانِ الخُلُقُ الْحَسَنُ!

۱. خندان

۲. سرکه

۳. یذهب ب: می‌برد

## ٤٨- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) تُشَاهِدُ أَعْمَالَ الْخَيْرِ بِسَبَبِ سُوءِ الْخُلُقِ!  
 (٢) قَدْ يَلْزَمُ سُوءَ الْخُلُقِ فِي الْحَيَاةِ!  
 (٣) مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ لَا يَرَى الدُّنْيَا جَمِيلًا  
 (٤) دِينُ الْمُؤْمِنِ يُحْفَظُ بِحَسَنِ الْخُلُقِ!

## ٤٩- عَلَى حَسَبِ النَّصِّ..... عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (١) يَرَى الْإِنْسَانُ الدُّنْيَا مِنْ خِلَالِ خُلُقِهِ وَفِكْرِهِ!  
 (٢) حَسُنُ الْخُلُقِ يَسَهِّلُ طُرُقَ الْحَيَاةِ!  
 (٣) سُوءُ الْخُلُقِ فِي الْعَمَلِ يُشَبِّهُ بِالْعَسَلِ!  
 (٤) حَسُنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ بَيْنَ النَّاسِ!



## ■ عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ

## ٥٠- عَيْنٌ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَكْثَرَ (٢) أَشْجَعَ (٣) أَعْلَمَ (٤) أَرْزَقَ

## ٥١- عَيْنٌ مَا لَيْسَ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) مَكَاتِبَ (٢) مَلَاعِبَ (٣) مَنَافِعَ (٤) مَعَامِلَ

## ٥٢- مَا هُوَ الْخَطَأُ؟

- (١) أَدْنَى ← دُنْيَا (٢) آخِرَ ← آخِرَى (٣) أَعْظَمَ ← عُظْمَى (٤) أَحْسَنَ ← حُسْنَى

## ٥٣- عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ:

- (١) مَاشِيَةٌ (٢) مَائِدَةٌ (٣) مُسَافِرَةٌ (٤) مُحَاوَلَةٌ

## ٥٤- مَيِّزِ الْخَطَأَ حَسَبَ قَوَاعِدِ صِيَاعَةِ اسْمِ الْمَفْعُولِ:

- (١) حَفِظَ ← مَحْفُوظَ (٢) بَدَّلَ ← مُبَدَّلَ (٣) قَطَعَ ← مَقْطُوعَ (٤) سَاعَدَ ← مُسَاعَدَ

## ٥٥- مَيِّزِ الْخَطَأَ:

- (١) الْفَاعِلِينَ: إِسْمُ الْفَاعِلِ (٢) الْمُسْتَمْعِينَ: إِسْمُ الْفَاعِلِ (٣) الْأَخْرِيْنَ: إِسْمُ الْفَاعِلِ (٤) الْمُرْسَلِينَ: إِسْمُ الْمَفْعُولِ

## ٥٦- مَا هُوَ الصَّحِيحُ حَسَبَ قَوَاعِدِ صِيَاعَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ لِلْمَوْثُوثِ؟

- (١) عَلِيَا (٢) سَوْدَاءَ (٣) بَيْضَاءَ (٤) صَفْرَاءَ

## ٥٧- عَيْنِ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ:

- (١) الطَّبَّارُ الْإِيرَانِيَّ! (٢) اللَّطَّازَةُ الشَّمْسِيَّةُ! (٣) فَتَاحَةُ الرَّجَاجَةِ! (٤) لِكَلِّ صَبَارًا!

## ٥٨- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ: «خَلَقَ - عُلْمِي - مُجْرَبٌ - مُنْتَصِرٌ - مَغْرِبٌ»

- (١) اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْمَكَانِ  
 (٢) اسْمُ الْمُبَالَغَةِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْمَكَانِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ  
 (٣) اسْمُ الْمُبَالَغَةِ - اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَكَانِ  
 (٤) اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَكَانِ

## ٥٩- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي صِيَاعَةِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) إِسْمُ الْفَاعِلِ مِنْ «يَتَوَهَّمُ»: مُتَوَهَّمٌ  
 (٢) إِسْمُ الْمَفْعُولِ مِنْ «يُجَهِّزُ»: مُجَهِّزٌ  
 (٣) إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ مِنْ «فَهُمَّ»: فَهَامَةٌ  
 (٤) إِسْمُ الْمَكَانِ مِنْ «رَجَعَ»: مَرْجُوعٌ

## ٦٠- مَا هُوَ الصَّحِيحُ عَنِ عَدَدِ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي عِبَارَةِ «أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهُمْ»؟

- (١) وَاحِدٌ (٢) إِثْنَانٍ (٣) ثَلَاثَةٌ (٤) أَرْبَعَةٌ

## ٦١- أَيُّ جَوَابٍ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي؟

- (١) رَسَامٌ (٢) حَيَّازٌ (٣) أَمَّازَةٌ (٤) حَمَّالَةٌ

## ٦٢- في أيّ عبارة جاء اسم التفضيل؟

- (١) «لا يظلم ربك أحداً»  
 (٢) «أنتم الأعلون إن كنتم مؤمنين»  
 (٣) «أليوم أكملت لكم دينكم»  
 (٤) «أعلم ما تعملون»

## ٦٣- في أيّ عبارة جاء اسم الفاعل أكثر؟

- (١) قلت الكفار أنتم مفسدون!  
 (٢) مشاورة المشفق الجاهل خطراً!  
 (٣) علينا أداء الواجب. نحن مبشرون و منذرون!  
 (٤) رجع الطالب التاجح من المسابقة!

## ٦٤- عيّن عبارة فيها العدّد على وزن الفاعل:

- (١) «لا تتخذوا إلهين اثنين»  
 (٢) يأخذ الفائز الثالث جائزة!  
 (٣) إذا كان اثنان يتناجيان فلا تدخل بينهما!  
 (٤) المؤمن أخلص لله أربعين صباحاً!

## ٦٥- عيّن عدداً ليس على وزن الفاعل:

- (١) للفائز الثاني جائزة فضيئة!  
 (٢) لي ثلاثة إخوان و أختان اثنتان!  
 (٣) الفصل الثالث في السنة الإبرائية فصل الخريف!  
 (٤) سيقولون رابعهم كتبهم!

## ٦٦- أيّ جواب لا يوجد في العبارات؟

- (١) للشخص المتواضع عزة النفس! (إسم الفاعل)  
 (٢) لأنّك وجدّ التواضع أرفع لشأنه! (إسم التفضيل)  
 (٣) سيّد القوم خادمهم في السفر! (إسم الفاعل)  
 (٤) الشمس و القمر يُنيران العالم! (إسم الفاعل)

## ٦٧- عيّن «خيراً» ليس اسم التفضيل:

- (١) عالم يُنتفع بعلمه خير من ألف عابد!  
 (٢) ليس العاقل من يعرف الخير من الشر!  
 (٣) ولكنّ العاقل من يعرف خير الشرين!  
 (٤) هذا العمل خير مما تفعلون!

## ٦٨- ميّز العبارة التي كلمته «خير» فيها اسم تفضيل:

- (١) يا الله، بيدك الخير!  
 (٢) الجلّيس الصالح خير من الوحدة!  
 (٣) الخير في ما وقع!  
 (٤) يرى الإنسان لكلّ خير خيراً!

## ٦٩- عيّن ما ليس فيها اسم تفضيل:

- (١) الوحدة خير من جليس السوء!  
 (٢) «فمن عفا و أصلح فأجره على الله»  
 (٣) كان حسّ خير الطالب في المدرسة!  
 (٤) أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

## ٧٠- أيّ جواب لا يوجد في العبارات؟

- (١) «ليلة القدر خير من ألف شهر»: (إسم التفضيل)  
 (٢) اللغة العربية من أفصح لغات العالم! (الفعل الماضي)  
 (٣) معلوماً أنك عن التجوم كثيرة! (إسم المفعول)  
 (٤) أحب أن أذهب إلى المسجد! (إسم المكان)

## ٧١- أيّ جواب لا يوجد في العبارات؟

- (١) «يا قوم إنكم ظلمتم أنفسكم»: (إسم التفضيل)  
 (٢) المعلمون المخلصون عماد الأمة! (إسم الفاعل - إسم المفعول)  
 (٣) «أخاف أن يأكله الذئب و أنتم غافلون»: (إسم الفاعل)  
 (٤) «و اجعل لي لسان صدق في الآخرين»: (إسم التفضيل)

## ٧٢- عيّن ما فيه اسم المكان:

- (١) كم المسافة من بغداد إلى هناك؟  
 (٢) ذهب السائح لزيارة مرقد سلمان الفارسي!  
 (٣) إنّه أحد قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام!  
 (٤) المهرجانات احتفال عام بمناسبة جميلة!

## ٧٣- كم إسم فاعل في عبارة «المعلمة التي تربي الطالبات المجتهديات تصل بأهدافها العالية»؟

- (١) واحد  
 (٢) اثنان  
 (٣) ثلاثة  
 (٤) أربعة

## ٧٤- عيّن العبارة التي تشتمل على اسم الفاعل و اسم التفضيل معاً:

- (١) بعض الحيوانات يستعمل العشب المناسب للوقاية من الأمراض المختلفة!  
 (٢) «و ما أرسلناك إلا بشيراً و نذيراً»  
 (٣) البحري من أكبر شعراء العرب!  
 (٤) إن الإسلام يشجع المسلمين و المسلمات على طلب العلم!

٧٥- ما هو الصحيح لما تحته خطأ؟ «هو الذي خلقكم فمِنكم كافرٌ ومِنكم مؤمنٌ»

(١) اسمُ الفاعِل - اسمُ المفعول (٢) اسمُ الفاعِل - اسمُ المفعول (٣) اسمُ الفاعِل - اسمُ المكان (٤) اسمُ المفعول - اسمُ المفعول

٧٦- عَيِّن الصَّحِيحَ:

(١) «وَعَذَابُ الآخِرَةِ أَكْبَرُ لو كانوا يَعْلَمُونَ»: (اسمُ الفاعِل - اسمُ التَّفْضِيلِ) (٢) مُشَاوَرَةُ العُقَلَاءِ تَزِيدُ قُدْرَةَ الإنسانِ: (اسمُ المفعول - اسمُ الفاعِلِ)

(٣) دَخَلَ الطَّلَابُ فِي مَجْلِسِ المَوْعِظَةِ: (اسمُ المُبَالِغَةِ - اسمُ المَكَانِ) (٤) هُم مَشْغُولُونَ بِمَطَالَعَةِ دُرُوسِهِمْ: (اسمُ المفعول - اسمُ المفعول)

٧٧- عَيِّنُ عِبْرَةً جَاءَ فِيهَا اسمُ التَّفْضِيلِ وَ اسمُ الفاعِلِ وَ اسمُ المَكَانِ معاً:

(١) «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

(٢) مَنْزِلِ هَذَا الرَّجُلِ أَجْمَلٌ مِنْ بَيْتِ الآخَرِينَ!

(٣) هُوَ مِنْ أَفْضَلِ المُعَلِّمِينَ!

(٤) العَمَالُ الإِيرَانِيُونَ يَنْتَجُونَ فِي المَصَانِعِ أَحْسَنَ البَضَائِعِ!

٧٨- عَيِّنُ عِبْرَةً جَاءَ فِيهَا اسمُ الفاعِلِ وَ اسمُ المفعولِ معاً:

(١) المُسْتَضْعَفُونَ هُم وَاِثْنُونَ الأَرْضِ!

(٢) «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَ مَبَشِّراً وَ نَذِيراً»

(٣) الكَافِرُونَ لَا يَنْظُرُونَ حَالَ المَحْرُومِينَ!

(٤) «وَ مَا تُرْسِلُ المُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»

٧٩- عَيِّنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسمُ مُبَالِغَةٍ:

(١) «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»

(٢) قَالَ الفَتَى العَلَامَةُ بِشَهَامَةٍ!

٨٠- عَيِّنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسمُ مَكَانٍ:

(١) التَّاقِلَاتُ تَنْتَقِلُ النَّفْطَ إِلَى مَخَازِنِ!

(٢) سَلَى المَصَانِعِ رَكباً تَهِيمٌ فِي الفُلُواتِ!

(٣) العَامِلُ يَبْنِي المَنَازِلَ العَالِيَةَ!

(٤) «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»

(ويژة علاقمندان)

٨١- ما هُوَ الخَطَأُ لِلْفِرَاعِ فِي العِبَارَةِ؟ «مَرِيْمٌ وَ فاطِمَةٌ أُخْتَايِ؛ مَرِيْمٌ .....»

(١) أَكْبَرُ مِنْ فاطِمَةَ! (٢) كَبْرَى أُخْتِي! (٣) كَبْرَى مِنْ فاطِمَةَ! (٤) هِيَ الكَبْرَى!

٨٢- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ الأَفْعَالِ الَّتِي لَهَا خَطَأٌ:

(١) اللّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي: (الفِعْلُ المَاضِي - فِعْلُ الأَمْرِ)

(٢) «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وَوَسْعَها»: (الفِعْلُ المُضَارِعُ المَجْهُولُ)

(٣) «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»: (الفِعْلُ المَاضِي - الفِعْلُ المُضَارِعُ - الفِعْلُ المُضَارِعُ المَنْفِي)

(٤) يُصْنَعُ الخُبْزُ مِنَ العَجِينِ: (الفِعْلُ المُضَارِعُ المَجْهُولُ)

٨٣- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ الفِعْلَيْنِ: «تَعَلَّمَ / تَتَبَادَلُ»

(١) الفِعْلُ المَاضِي / الفِعْلُ المُضَارِعُ (٢) لُهُمَا حَرْفَانِ زائِدَانِ (٣) مُصَدَّرَةٌ «تَعْلِيمٌ» / مُصَدَّرَةٌ «تَبَادُلٌ» (٤) سَوْمُ شَخْصٍ مَفْرَدٍ / سَوْمُ شَخْصٍ مَفْرَدٍ

٨٤- عَيِّنِ الأَفْعَالِ كُلِّهَا مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ:

(١) إِنكَبِرْنَ / اقْتَرَبُوا / تَكَبَّرُوا (٢) إِنتَقَمْنَا / أَحسَنَ / عَلَّمُوا (٣) تَنْصَحِينَ / تَلَقَّبُونَ / تَحَرَّكَنَ (٤) تُسَافِرُ / تَعْتَقِدْنَ / تَكاتَبَ

٨٥- عَيِّنُ مَا عَلَى وَزَنِ «إِفْتَعَلَ»:

(١) إِنشَرَ / إِنقَدَّ (٢) إِنعَطَفَ / اجْتَنَبَ (٣) اسْتَغْفَرَ / اشْتَرَكَ (٤) اسْتَقْبَلَ / اسْتَرَقَّ

٨٦- عَيِّنُ مَا عَلَى وَزَنِ «إِنْفَعَلَ»:

(١) إِنشَرَ / إِنجَمَدَ (٢) إِنتَطَّرَ / إِنفَتَحَ (٣) إِنبَتَبَهُ / إِنصَرَفَ (٤) إِنبَسَطَ / إِنقَطَعَ

٨٧- عَيِّنُ مَا عَلَى وَزَنِ «إِسْتِفْعَالَ»:

(١) اسْتِمَاعٌ / اسْتِكْبَارٌ (٢) اسْتِعْلَامٌ / اسْتِرْجَاعٌ (٣) اسْتِلامٌ / اسْتِغْفارٌ (٤) اسْتِثْمَارٌ / اسْتِسامٌ

٨٨- عَيِّنِ الخَطَأَ حَسَبَ الضَّمِيرِ:

(١) أَنتُمْ جالِسْتُمْ (٢) هُنَّ يَجالِسُونَ (٣) أَنَا أَجالِسُ (٤) هِيَ تُجالِسُ



٨٩- عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاعِينَ: «أَنْتِ ..... وَ نَحْنُ .....

(١) غَرَسْتَ / نَحَضَدُ (٢) تَغْرِسُ / أَحْضَدُ (٣) غَرَسْتَ / نَحْضَدُ (٤) تَغْرِسِينَ / حَضَدْنَا

٩٠- عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاعِ: «هُوَ لَاءٍ .....

(١) تَكَلَّمُوا (٢) يَتَكَلَّمُونَ (٣) يَتَكَلَّمْنَ (٤) كَلَّمُوا

٩١- مَا هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعِينَ فِي عِبَارَةِ «يَا أُخْتِي، أَنَا لَا ..... وَلِكَيْتِكَ ..... كَلَامِي!»؟

(١) كَذِبْتُ / مَا صَدَقْتُ (٢) أَكْذِبُ / لَا تُصَدِّقِينَ (٣) تُكَذِّبُ / لَا تُصَدِّقُ (٤) تُكَذِّبُ / لَا أُصَدِّقُ

٩٢- مَا هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعِينَ فِي عِبَارَةِ «..... بِنْتِي الصَّغِيرَةُ مِنْ عَمَلِ ..... السَّيِّئِ»؟

(١) نَدِمْتُ / هَا (٢) نَدِمَ / هـ (٣) يَنْدَمُ / هَا (٤) نَدِمْتُ / هـ

٩٣- عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ:

(١) لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا! (٢) «وَقَالَ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا»

(٣) «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ» (٤) «أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»

٩٤- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مَجْهُولٌ:

(١) «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ» (٢) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»

(٣) «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (٤) «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خَلَقْتُ»

٩٥- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْأَفْعَالِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

(١) «وَأِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ»: (الْفِعْلُ الْمَاضِي لِلْمَجْهُولِ / فِعْلُ الْأَمْرِ)

(٢) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يَطْلَمُونَ شَيْئًا»: (الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ لِلْمَجْهُولِ / الْفِعْلُ التَّفْيُّ لِلْمَجْهُولِ)

(٣) «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ»: (فِعْلُ التَّهْيِ لِلْمَعْلُومِ / الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ لِلْمَجْهُولِ)

(٤) «رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»: (الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ لِلْمَعْلُومِ / الْفِعْلُ الْمَاضِي لِلْمَعْلُومِ)

٩٦- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ يُعْرَفُ الْفَاعِلُ؟

(١) تُحَوَّلُ الْأَشْجَعَةُ الْقَمَرِ الْفِضِّيَّةِ الطَّلَامُ إِلَى الضَّوءِ!

(٢) «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ»

(٣) «وَأُخْذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ» (٤) «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»

٩٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعَاتِ عَنِ الْأَعْدَادِ التَّرْتِيبِيَّةِ: «خَامِسٌ - ..... - سَابِعٌ - ..... - تَاسِعٌ - .....!»

(١) سَادِسٌ - ثَمَانِيٌّ - عَاشِرٌ (٢) سِتٌّ - ثَامِنٌ - عَشْرٌ (٣) سِتٌّ - ثَمَانِيٌّ - عَشْرٌ (٤) سَادِسٌ - ثَامِنٌ - عَاشِرٌ

٩٨- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعَاتِ عَنِ الْأَعْدَادِ الْأَصْلِيَّةِ: «..... - إِثْنَتَانِ - ..... - خَمْسَةٌ!»

(١) وَاحِدَةٌ - ثَلَاثَةٌ - أَرْبَعَةٌ (٢) أَوْلَى - ثَالِثَةٌ - رَابِعَةٌ (٣) أَوْلَى - ثَلَاثَةٌ - رَابِعَةٌ (٤) وَاحِدَةٌ - ثَلَاثَةٌ - أَرْبَعَةٌ

٩٩- عَيِّنِ الْعَدَدَ التَّرْتِيبِيَّ:

(١) «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»

(٢) «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا» (٣) «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»

(٤) «أَسْتَشْهِدُ الْإِمَامَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمٍ!»

١٠٠- عَيِّنِ الْعَدَدَ غَيْرَ الصَّفَةِ:

(١) تَتَعَلَّمُ فِي الْمَدْرَسَةِ لِعَتَمِينَ اثْنَتَيْنِ! (٢) «وَاللَّهُمَّ إِلَهًا وَاحِدًا»

(٣) ثَمَانِيَّةٌ فِي سَبْعَةِ يُسَاوِي سِتَّةً وَ أَرْبَعِينَ! (٤) ثَلَاثَةٌ وَ تِسْعُونَ زَائِدٌ سَبْعَةَ يُسَاوِي مِئَةً!

(١) عَشْرُونَ نَاقِصٌ خَمْسَةَ يُسَاوِي خَمْسَةَ عَشْرًا! (٢) ثَمَانِيَّةٌ فِي سَبْعَةِ يُسَاوِي سِتَّةً وَ أَرْبَعِينَ! (٣) ثَمَانِيَّةٌ فِي سَبْعَةِ يُسَاوِي سِتَّةً وَ أَرْبَعِينَ! (٤) أَرْبَعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي عَشْرِينَ!

١٠١- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي عِبَارَةِ «رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»:

(١) صَبْرًا: مَفْعُولٌ (٢) «نَا» دَرُ أَنْصُرْنَا: فَاعِلٌ (٣) الْقَوْمُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ (٤) الْكَافِرِينَ: صِفَةٌ

بانك تست | درس أول

٩٧

## ١٠٣- عَيِّنِ الْفَاعِلَ:

- (١) أَلْعَلِمُ صَيْدًا وَ الْكِتَابَةَ قَيْدًا  
(٢) «لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ»  
(٣) ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ!  
(٤) حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ!

## ١٠٤- مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ فِي عِبَارَةِ «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»؟

- (١) سَكِينَةٌ: مَفْعُول  
(٢) الْمُؤْمِنِينَ: صِفَةٌ  
(٣) اللَّهُ: فَاعِلٌ  
(٤) ضَمِيرٌ مَتَّصِلٌ «ه»: مُضَافٌ إِلَيْهِ

## ١٠٥- مَا هُوَ الصَّحِيحُ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:

- (١) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَوْهَى إِلَيْكُمْ عِيُوبَكُمْ! (فاعل)  
(٢) «وَلَا يَظْلِمُ رَيْثُكَ أَحَدًا»: (مفعول)  
(٣) جَمَالَ الْمَرْءُ فَصَاحَةً لِسَانِهِ! (خبر)  
(٤) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا! (مبتدأ)

## ١٠٦- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- (١) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ! (خبر)  
(٢) أَلْجَلِيسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ! (صفة)  
(٣) السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ! (مبتدأ)  
(٤) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهِينِ! (خبر)

## ١٠٧- مَا هُوَ الصَّحِيحُ: «الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!»

- (١) يَأْكُلُ: خَيْرٌ  
(٢) الْحَسَنَاتِ: فَاعِلٌ  
(٣) النَّارُ: مُبْتَدَأٌ  
(٤) الْحَطَبُ: خَيْرٌ

## ١٠٨- مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي عِبَارَةِ «أَعْلَمَ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»؟

- (١) مَنْ: خَيْرٌ  
(٢) عِلْمٌ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ  
(٣) عِلْمٌ: فَاعِلٌ  
(٤) أَعْلَمَ: مُبْتَدَأٌ

## ١٠٩- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ:

- (١) حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ!  
(٢) عَادَاةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ!  
(٣) «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»  
(٤) الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ!

(ويژة علاقمندان)

- (١) إِشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ!  
(٢) «وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»  
(٣) أَكْتُبِي وَاجِبَاتِكَ فِي الْوَقْتِ الْمُنَاسِبِ!  
(٤) لَا تَطْبَعِي هَذِهِ الْمَقَالَةَ!

## ١١١- عَيِّنِ الْخَبَرَ:

- (١) فِي الشِّتَاءِ يُنْزَلُ التَّلْجُ!  
(٢) فِي قَرِينَتِنَا يُحْصَدُ الْقَمْحُ!  
(٣) فِي صَفْنَا التَّلَامِيذُ يُجَبُّونَ الْمُطَالَعَةَ!  
(٤) فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ لَا يَعْمَلُ الْمَكَيِّفُ!

## ١١٢- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَاتِ:

- (١) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ! (إِسْمُ التَّفْضِيلِ / الْمَفْعُولُ)  
(٢) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ! (إِسْمُ التَّفْضِيلِ / الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ الْجَرِّ)  
(٣) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً! (إِسْمُ التَّفْضِيلِ / الصَّفَّةُ)  
(٤) سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ! (الْخَبَرُ / إِسْمُ التَّفْضِيلِ)

## ١١٣- عَيِّنِ مَا لَيْسَتْ فِيهِ صِفَةٌ:

- (١) يَبْرَزُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التَّفَاحِ!  
(٢) أَخِي قَانِعٌ، بَرَصَى بِطَعَامٍ قَلِيلٍ!  
(٣) لِصَدِيقِي فَضْلٌ فِي حُسْنِ الْخُلُقِ!  
(٤) الْيَوْمَ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ!

## ١١٤- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لِلِاسْمِ صِفَةٌ وَ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا؟

- (١) كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ دَوْرَهُ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ!  
(٢) ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ!  
(٣) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!  
(٤) تَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ!

## پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

۱۱ ۱ «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر «داناتر» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل آیه «بگو، پروردگرم به تعدادشان داناتر است جز اندکی [تعداد] آن‌ها را نمی‌داند».

۱۲ ۲ «أَقْدَسُ» اسم تفضیل است و هم‌چنین مضاف واقع شده، بنابراین به شکل صفت برترین «مقدس‌ترین» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل عبارت «به راستی کار مقدس‌ترین چیز در زندگی انسان است».

۱۳ ۲ در نوشتن اعداد مرکب بین ۲۱ تا ۹۹ عربی، اول یکان و بعد از «و» عدد دهگان نوشته می‌شود ولی در ترجمه این اعداد اول دهگان و بعد یکان نوشته می‌شود. ترجمه عبارت «پنجاه و چهار به اضافهٔ چهل و سه مساوی است با نود و هفت!»

۳ ۴ چون بعد از «خَبِرٌ» حرف جر (مِن) آمده اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر و با پسوند «تر» ترجمه می‌شود؛ ترجمه عبارت «دشمنی دانا خوب‌تر از دوستی نادان است».

۱۴ ۳ ترجمه اعداد اصلی «ثَلَاثَةٌ: سه / خَمْسَةٌ: پنج» و اعداد ترتیبی «التَّاسِعَ عَشَرَ: نوزدهم / السَّادِسَةَ: ششم / الثَّانِي: دوم» و ترجمه عبارت «سه کتاب از کتابخانهٔ مدرسه گرفتم؛ در پنج روز سطر نوزدهم از صفحهٔ ششم از کتاب دوم را خواندم!»

۴ ۴ «أَكْبَرُ» اسم تفضیل و هم‌چنین بعد از آن مضاف‌الیه آمده، بنابراین به شکل صفت برترین «بزرگ‌ترین» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل عبارت «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در توست عیب بگیرد».

۱۵ ۳ «خَفِيٌّ = سِتْرٌ (پنهان شد = پوشیده شد)» مترادف هستند نه متضاد. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) الخَيْرُ: خوبی ≠ الشَّرُّ: بدی (۲) القَبِيحَةُ: زشت ≠ الجميلةُ: زیبا (۴) اِبْتَعَدَ: دور شد ≠ اِقْتَرَبَ: نزدیک شد

۵ ۳ «إِثْمٌ: گناه». ترجمه عبارت «به راستی بعضی از گمان‌ها گناه است».

۱۶ ۲ «غالي: گران ≠ رخيص: ارزان» متضاد هستند نه مترادف. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) الحُسْنُ = الخَيْرُ: خوبی (۳) الإِثْمُ = الذَّنْبُ: گناه (۴) عَابٌ = لَمَزٌ = عيب جویی کرد = عيب گرفت

۶ ۲ «سوء الظَّنِّ: بدگمانی، اتهام فردی به فردی دیگر بدون دلیل منطقی است!». ترجمه سایر کلمات: (۱) جاسوسی کردن (۳) ستم (۴) آلوده شدن به گناه، کار ناپسند

۱۷ ۴ «عَسَى = رَجَمًا: شاید». سایر گزینه‌ها متضاد هستند نه مترادف: (۱) كَرِهَ: ناپسند داشت ≠ فَسَّقَ: کار ناپسند کرد (۲) حَرَّمَ: حرام کرد ≠ حَلَّلَ: حلال کرد (۳) حَيٌّ: زنده ≠ مَيِّتٌ: مرده

۷ ۳ ترجمه عبارت «خداوند خوبی را برای مردم حرام کرد». سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی هستند: (۱) ريشخند کردن (۲) غيبت (۴) بدگمانی

۱۸ ۳ در سایر گزینه‌ها این کلمات جمع مکسر نیستند: (۱) «مُفَسَّرِينَ: تفسیرکنندگان» با اضافه شدن علامت «يْنِ» در آخر اسم مفرد «مُفَسِّرٌ»، جمع مذکر سالم است. (۲) «قَوْمٌ: مردم» اسم جمع است نه جمع مکسر. (۴) «التَّاسِ: مردم» اسم جمع است نه جمع مکسر.

۸ ۱ شکل درست ترجمه در سایر گزینه‌ها: (۲) أَنْ تَتَعَلَّمَ: که یاد بگیرد؛ حرف «أَنْ» بر سر مضارع ترجمه فعل را به مضارع التزامی تغییر می‌دهد. (۳) سَأَتَبَادَلُ: عوض خواهم کرد؛ فعل مستقبل اول شخص مفرد است. (۴) اِنْكَسَرْتُمْ: شکسته شدید؛ فعل ماضی است.

۱۹ ۲ «أَعْلَمُ: داناتر، اسم تفضیل است»؛ جمع مکسر «عَالِمٌ ← عُلَمَاءُ: دانشمندان» می‌شود. سایر جمع مکسرها درست هستند: (۱) فُسَاتِينُ: لباس‌های زنانه (۳) أُلْوَانُ: رنگ‌ها (۴) أَدْعِيَةٌ: دعاها

۹ ۲ شکل درست ترجمه فعل‌ها در سایر گزینه‌ها: (۱) مَا كَانَ يَلْقَبُ: لقب نمی‌داد؛ فعل منفی «ما كان» بر سر فعل مضارع، ترجمه آن را به ماضی استمراری منفی تغییر می‌دهد. (۳) يُسَمِّي: نامیده می‌شود؛ فعل مضارع با حرکت ضمه (ـُ) روی حرف مضارعه و حرکت فتحه (ـِ) روی عین الفعل، مجهول است. (۴) لَا تَسْتَهْزِؤُوا: ريشخند نکنید؛ فعل نهی است.

۲۰ ۴ جمع مکسر در سایر گزینه‌ها: (۱) عُيُوبٌ: کمبودها، عیب‌ها (۲) أَسْمَاءُ: نام‌ها (۳) ألقاب: لقب‌ها

۱۰ ۳ «بِعِثْتُ» فعل اول شخص ماضی مجهول و ترجمه آن «فرستاده شد» و «لَأَتَمِّمَ» فعل اول شخص مضارع معلوم که حرف «لِ: تا، برای این‌که» بر سر آن آمده، بنابراین به شکل مضارع التزامی «تا کامل کنم» ترجمه می‌شود.

**۲۹** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل «بِئْسَ» اول جمله باشد با اسم بعد از خود با هم ترجمه می‌شود «بد اسمی است، بد نامی است» - «مَنْ» به معنی «هر کس، هر که» که شرطی است بر سر جمله بیاید فعل بعد از آن به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود «لَمْ يَتَّبِعْ: توبه نکنند» - اسم اشاره جمع دور «أُولَئِكَ: آنان» - «الظَّالِمُونَ: ستمکاران».

**۳۰** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل امر مفرد «أَغْضُصْ: بکاه» - اسم با ضمیر متصل «صَوْتُكَ: صدایت» - اسم تفضیل که بعد از آن جمع مکسر در نقش مضاف‌الیه آمده «أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ: بدترین صداها».

**۳۱** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مضارع مجهول «يُحَرِّمُ: حرام می‌شود» - «الْآخِرِينَ: دیگران» - جمع مکسر «الْأَسْمَاءُ: اسم‌ها» - ضمیر متصل «هَمَّ» در «تَسْمِيَّتُهُمْ: نام نهادنشان»

**۳۲** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: حرف «إِنْ: اگر» بر سر جمله فعلیه، حرف شرط است و فعل بعد از آن به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود «يَعْلَمُ: بداند» - حرف ربط «أَنَّ: که» - اسم تفضیل که بعد از اسم جمع مکسر در نقش مضاف‌الیه آمده «أَهَمَّ أَسْبَابٍ: مهم‌ترین علت‌های».

**۳۳** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: اسم تفضیل که بعد از آن مضاف‌الیه آمده است «أَعْلَمَ النَّاسِ: داناترین مردم» - اگر بعد از اسم «مَنْ»، فعل مفرد بیاید «کسی که» ترجمه می‌شود. - فعل مضارع سوم شخص مفرد «يَزِيدُ: می‌افزاید» - ترجمه «الناس: مردم» در جمله دوم.

**۳۴** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مستقبل «سَيَحَاوِلُونَ: تلاش خواهند کرد» - اسم جمع مکسر با ضمیر متصل «جيرانهم: همسایگانشان / اقربائهم: خویشاوندانشان» - فعل مضارع با ضمیر متصل که حرف «أَنْ» بر سر آن بیاید به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود: «لَيَتَفَضَّحُوهُمْ: تا آن‌ها را رسوا کنند».

**۳۵** شکل درست خطا: «نامیدند: نامیده شد (سَمَّيْتُ: فعل ماضی مجهول است)» - در ضمن حرف «رأ» نیز از جمله حذف می‌شود. سایر گزینه‌ها درست ترجمه شدند.

**۳۶** شکل درست خطا در سایر گزینه‌ها: (۱) اول آیه: آیه اول (عدد ترتیبی «الأولى» در نقش صفت بعد از «الآية» آمده است. (۲) یکدیگر: دیگران (الآخرین) (۴) این: آن «ذلك» اسم اشاره دور است.

**۳۷** شکل درست خطا: «کار خوب: بهترین کار (خَيْرِ الْعَمَلِ، مضاف و مضاف‌الیه است، بنابراین «خَيْر» اسم تفضیل با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

**۳۸** شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) پروردگار: پروردگارت (رَبِّكَ: ضمیر متصل «لَكَ» ترجمه نشده است. (۲) به روشی نیکو: به روشی که نیکوتر است (اسم تفضیل «أَحْسَنُ» به شکل صفت برتر ترجمه می‌شود. (۳) می‌داند چه کسی: داناتر است به کسی که (اسم تفضیل «أَعْلَمُ» که بعدش جار و مجرور «بِمَنْ» آمده است به شکل صفت برتر ترجمه می‌شود).

**۲۱** ذکر کلمات زشت برای تحقیر دیگران، «الإِثْتِهَاءُ: ریشخند» است نه «سوء الظَّنَّ: بدگمانی»! سایر گزینه‌ها درست هستند:  
(۱) تلاش برای فهمیدن رازهای دیگران، «جاسوسی» است!  
(۲) ذکر عیب‌های دیگران بدون حضورشان، «غیبت» است!  
(۴) ذکر پشیمانی بعد از کار بدی و تلاش برای جبران آن، «توبه» است!

**۲۲** «قیمت آن لباس زنانه شصت و پنج هزار تومان است». ترجمه عبارت در صورت سؤال به همراه سایر گزینه‌ها: کسی وارد مغازه می‌شود و قیمت‌های شلوارها را از فروشنده می‌پرسد، پس فروشنده به او می‌گوید: (۱) شلوار مردانه نود هزار تومان است! (۳) شلوار زنانه هفتاد و هفت هزار تومان است! (۴) قیمت‌ها از چهل و پنج هزار تا نود هزار تومان است!

**۲۳** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: ترجمه حرف «قد» بر سر فعل مضارع «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» - ترجمه فعل مضارع ناگذر که بر سر آن حرف «أَنَّ» آمده و باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود «أَنْ نَبْتَعِدَ: که دور شویم» - اسم تفضیل «أَحْسَنُ» که بعد از آن حرف جرّ (مِنْ) آمده و باید به شکل صفت برتر «بهتر» ترجمه شود.

**۲۴** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل ماضی استمراری «كانت... يَذْهَبْنَ: می‌رفتند» - اسم تفضیل «أَكْبَرُ» که بعد از آن مضاف‌الیه آمده و به شکل صفت برترین «بزرگ‌ترین» ترجمه می‌شود.

**۲۵** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل مضارع «يُحِبُّ: دوست می‌دارد» - فعل مضارع که بر سر آن حرف «أَنْ» آمده و به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود «أَنْ يَأْكُلَ: که بخورد» - ضمائر متصل در «أَحَدُكُمْ: کسی از شما / أَخِيه: برادرش».

**۲۶** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: ترکیب وصفی اضافی که صفت آن اسم تفضیل نیز است «أَخِي الْأَكْبَرُ: برادر بزرگ‌ترم» - فعل مضارع منفی معلوم «لَا نَذْكُرُ: یاد نمی‌کنیم» - فعل مستقبل منفی «سَوْفَ لَا نَتَجَسَّسُ: جاسوسی نخواهیم کرد» - اسم جمع مکسر «عیوب: عیب‌ها» - اسم جمع مکسر با ضمیر متصل «أَصْدِقَائِنَا: دوستانمان».

**۲۷** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: فعل سوم شخص مضارع نهی که در ترجمه معمولاً کلمه «نباید» بر سر مضارع التزامی می‌آید «لَا يَسْخَرْ: نباید ریشخند کنند» - فعل مضارع با حرف «أَنْ» که به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود «أَنْ يَكُونُوا: که باشند» - اسم تفضیل که بعدش حرف جرّ با ضمیر آمده «خيراً مِنْهُمْ: بهتر از خودشان».

**۲۸** مواردي که باید به آن‌ها توجه شود: اسم جمع مکسر «شُعوباً: ملت‌هایی / قَبَائِلُ: قبیله‌هایی» - در ترجمه فعل‌هایی که مصدرشان بر وزن «تَفَاعُلٌ» است، کلمه «باهم، همدیگر، یکدیگر» به کار می‌رود «لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید» - اسم تفضیل که بعدش ضمیر متصل در نقش مضاف‌الیه آمده به شکل صفت برترین ترجمه می‌شود «أَكْرَمَكُمْ: گرامی‌ترین شما / أَنْفَاقَكُمْ: باتفاوت‌ترین شما».

۳۹ ۳ شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) توبه‌پذیر: بسیار توبه‌پذیر («تَوَابٌ» اسم مبالغه است.) (۲) ترجمه «قَد» بر سر فعل مضارع: گاهی، شاید (۴) است: دارد (حرفِ جرّ «ل» بر سر خبر مقدّم در اوّل جمله اسمیه به معنی «دارد» است.)

۴۰ ۱ شکل درست خطا «خواستم: می‌خواهم» («أريدُ» فعل مضارع اوّل شخص مفرد است و به شکل مضارع اخباری ترجمه می‌شود.) سایر گزینه‌ها درست ترجمه شدند.

۴۱ ۳ شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) بزرگ‌ترین گناهان: گناهان بزرگ (کِبَائِرُ الذُّنُوبِ) (۲) پوشاننده: بسیار پوشاننده («سَتَّار» اسم مبالغه است.) (۴) هر چیزی را او: هر چیزی او را (ضمیر متصل «ه» در «يَلْعَنُهُ» نقش مفعول و «كُلُّ» نقش فاعل را دارد.)

۴۲ ۲ با توجه به ترجمه عبارت در صورت سؤال «دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است» از نظر مفهوم عبارت «دشمن دانا به از دوست نادان!» مناسب آن است.

۴۳ ۳ با توجه به ترجمه عبارت در صورت سؤال «بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!» که به صداقت دوست در برخورد با اخلاق درست و نادرست دوستش اشاره دارد، از نظر مفهوم عبارت «دوست تو کسی است که به تو راست بگوید (با تو رو راست باشد) نه کسی که تو را تصدیق کند (کارهای نادرست تو را تأیید کند).» به آن نزدیک‌تر است. ترجمه سایر گزینه‌ها: (۱) دوست داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگان است! (۲) به مردم نیکی کن تا دل‌هایشان را بنده خود کنی! (۴) دانشمندی که از علمش بهره برده می‌شود بهتر از هزار عابد است!

#### درک مطلب

گاهی بین دوستان یا هم‌شاگردی‌ها کسانی هستند که از ما بهتر می‌باشند، پس بر ما لازم است که از خودپسندی دوری کنیم. بر ما بهتر است که آن‌ها را الگویی برای رسیدن به هدف‌های والايمان قرار دهیم و از آن‌ها بخواهیم که در این راه به ما کمک کنند تا موفق شویم. گمان خوب سبب می‌شود که به دوستانمان و هم‌شاگردی‌هایمان در زندگی اعتماد کنیم و آن‌ها را بدون دلیل متهم نکنیم پس خوبی‌ها را می‌بینیم و از بدگمانی و جاسوسی در کارهای دیگران دوری می‌کنیم. هر کسی عیب‌هایی دارد و ما نباید عیب‌های دیگران را در نبودشان با سخنی پنهان یا به کنایه یاد کنیم. غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط بین مردم است. هر کس دیگران را ریشخند کند و آن‌ها را با نام‌های زشت لقب دهد و در کارهایشان جاسوسی کند گناهان بزرگ انجام می‌دهد. پس او از ستمکاران است و بر او لازم است که از کار بدش توبه کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب‌دار کنی.»

۴۴ ۲ «بدگمانی علت اعتماد ما در زندگی است.» در حالی که بر اساس متن «حَسَنُ الظَّنِّ: گمان خوب» باعث اعتماد ما به دیگران در زندگی می‌شود. سایر گزینه‌ها درست هستند: (۱) برای ما بهتر است که از جاسوسی دوری کنیم (بپرهیزیم!) (۳) هیچ‌کس بی‌نقص نیست! (۴) بعضی از دوستان از ما بهتر هستند!

۴۵ ۱ «جاسوسی در زندگی مردم از گناهان بزرگ است!». سایر گزینه‌ها با توجه به متن خطا هستند: (۲) ریشخند کردن دیگران از گناهان بزرگ نیست! (۳) گفتن عیب‌ها در نبود دیگران بهتر از پوشاندن آن است! (۴) برای انسان بهتر است که دوستانش را بدون دلیل متهم نکند!

۴۶ ۳ بر اساس متن «غیبت، از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط بین مردم است!». سایر گزینه‌ها: (۱) جاسوسی (۲) بدگمانی (۴) ریشخند کردن

#### درک مطلب

به راستی دنیا از سختی‌ها و مشکلات خالی نمی‌شود و انسان در زندگی‌اش همیشه با مشکلات روبه‌رو می‌شود پس بر او لازم است که اخلاقی نیکو داشته باشد تا تنها نشود. از پیامبر گرامی روایت شده که هر کس اخلاقش بد باشد، خودش و دیگران را عذاب می‌دهد ولی خوش اخلاقی دوستی را تثبیت می‌کند. هر چیزی در طبیعت خندان است. پس گل خندان است و جنگل‌ها و دریاها و رودها و آسمان و ستارگان و پرندگان همه‌شان خندان هستند و همین‌طور انسان بنا به طبعش (خویش) خندان است. هر انسانی دنیا را از خلال اخلاق و فکرش می‌بیند، هر کس اخلاقش خوب باشد دینش را حفظ می‌کند و راه‌های زندگی برای او آسان می‌شود. پس دنیا و آفریده‌هایش را زیبا می‌بیند همان‌گونه که آفریده شد. هر کس اخلاق بدی داشته باشد دوستانش را از دست می‌دهد زیرا آن‌ها به خاطر بدی اخلاقش کار خوب او را نمی‌بینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بداخلاقی عمل را فاسد می‌کند همان‌گونه که سرکه عسل را فاسد می‌کند.» پس هرگاه خواستی به زندگی لبخند بزنی پس با بداخلاقی بجنگ. از پیامبر روایت شده که او فرمود: «چیزی در ترازو سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.» و همچنین فرمود: «پرهیزگاری و خوش اخلاقی باعث رفتن امت من به بهشت است.»

۴۷ ۲ «فقط خوش اخلاقی امت را به بهشت می‌برد!» که بر اساس متن «خوش اخلاقی و تقوی» علت رفتن امتش به بهشت است. سایر گزینه‌ها بر اساس متن درست هستند: (۱) بداخلاقی علت فاسد شدن (تباهی) عمل است! (۳) هر کس اخلاقش بد باشد به خودش عذاب می‌دهد! (۴) سنگین‌ترین چیز در ترازو اخلاق نیک است!

۴۸ ۴ «دین مؤمن با خوش اخلاقی حفظ می‌شود!». سایر گزینه‌ها بر حسب متن درست نیستند: (۱) کارهای خوب با بداخلاقی دیده می‌شوند! (۲) گاهی در زندگی بداخلاقی لازم است! (۳) هر کس اخلاقش نیکو شود دنیا را زیبا نمی‌بیند!

۴۹ ۳ «بداخلاقی در عمل به عسل تشبیه می‌شود». در حالی که در متن به «سرکه در عسل» تشبیه شده است. سایر گزینه‌ها درست هستند: (۱) انسان دنیا را از خلال اخلاق و فکرش می‌بیند! (۲) خوش اخلاقی راه‌های زندگی را آسان می‌کند! (۴) خوش اخلاقی دوستی بین مردم را استوار می‌کند!

۵۰ ۴ «أزرق: آبی» بر رنگ دلالت دارد، نه برتری. سایر گزینه‌ها اسم تفضیل هستند: (۱) أَكْثَرُ: بیش‌تر، بیش‌ترین (۲) أَشْجَعُ: شجاع‌تر، شجاع‌ترین (۳) أَعْلَمُ: داناتر، داناترین

۵۱ ≡ ۳ «منافع» جمع مکسر «مَنْفَعَةٌ» و به معنی «سود» است بنابراین بر مکان دلالت نمی‌کند. سایر گزینه‌ها اگر به مفرد بروند همگی بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان هستند: (۱) «مَكَاتِب» جمع مکسر و مفرد آن «مَكْتَب» (۲) «مَلَايِب» جمع مکسر و مفرد آن «مَلْعَب» (۴) «مَعَامِل» جمع مکسر و مفرد آن «مَعْمَل»

۶۱ ≡ ۳ «أَمَازَة»: بسیار امرکننده» بر وزن فَعَالَة بر بسیاری صفت دلالت می‌کند و اسم مبالغه است. سایر گزینه‌ها با وجود این‌که بر وزن فَعَال یا فَعَالَة هستند چون بر شغل دلالت می‌کنند، اسم مبالغه نیستند: «رَسَام: نقاش / خَبَاز: نانوا» بر وزن فَعَال؛ و «حَمَالَة: باربر» بر وزن فَعَالَة.

۶۲ ≡ ۲ «الأعلون» جمع و مفرد آن «الأعلى»، اسم تفضیل است. در گزینه (۳) «أَكْمَلْتُ: کامل کردم» بر وزن «أَفْعَل» فعل ماضی از مصدر بر وزن «إِفْعَال» است. در گزینه (۴) «أَعْلَمْتُ: می‌دانم» فعل مضارع اول شخص مفرد است.

۵۲ ≡ ۲ در این سؤال مؤنث کلمات مورد نظر است و «الأخر» اسم فاعل است. بنابراین مؤنث آن «أخرَة» می‌شود نه «أخری». سایر گزینه‌ها همگی اسم تفضیل هستند و مؤنثشان بر وزن «فَعْلَى» به طور صحیح آمده است.

۶۳ ≡ ۳ سه اسم فاعل در عبارت وجود دارد: «الواجب / مُبَشِّرُون / مُنْذِرُونَ». اسم فاعل در سایر گزینه‌ها: (۱) «الكَفَّار / مُفْسِدُونَ» توجّه: «كُفَّار» جمع مکسر و مفرد آن «كافر» بر وزن فاعل و اسم فاعل است. (۲) «المُشْفِقُ / الجاهل» (۴) «الطَّالِبُ / التَّاجِعُ»

۵۳ ≡ ۱ «ماشيّة» پیاده، رهرو» اسم فاعل مؤنث از فعل «مَشَى» است. سایر گزینه‌ها: (۲) «ماندة: سفره» ریشه فعلی ندارد. (۳) «مُسافرة: سفر کردن / مُحاولَة: تلاش کردن» هر دو مصدر بر وزن «مُفَاعَلَة» هستند.

۶۴ ≡ ۲ اعداد ترتیبی «الثالث: سوم» بر وزن فاعل است. در سایر گزینه‌ها اعداد اصلی «اثنین: دو - اثنان: دو - أربعین: چهل» بر وزن فاعل نیستند.

۵۴ ≡ ۲ اسم مفعول از فعل «بَدَّلَ»، «مَبَدَّلَ» می‌شود یعنی در عین الفعَل آن (حرف اصلی دوم) حرکت فتحه روی تشدید (ت) می‌آید. سایر گزینه‌ها صحیح هستند.

۶۵ ≡ ۲ «ثلاثة: سه / اثنان: دو» عدد اصلی است. در سایر گزینه‌ها «الثانی / الثالث / رابع» از اعداد ترتیبی بر وزن فاعل هستند.

۵۵ ≡ ۳ «الأخرین» جمع مذکر سالم و مفرد آن «آخر» بر وزن فاعل، اسم تفضیل است نه اسم فاعل. سایر گزینه‌ها: (۱) «الصَّالِین» و مفرد آن «صَال» بر وزن فاعل، اسم فاعل است. (۲) «المُسْتَمِعُون» و مفرد آن «المُسْتَمِع» اولش (م) و عین الفعَل آن حرکت کسره (-) است. اسم فاعل است. (۴) «المُرْسَلِین» و مفرد آن «المُرْسَل» اولش (م) و عین الفعَل آن حرکت فتحه (-) است، اسم مفعول است.

۶۶ ≡ ۴ «العالم: جهان» اسم فاعل نیست. در سایر گزینه‌ها: (۱) «المُتَوَاضِعُ: اسم فاعل (۲) أَرْفَعُ: اسم تفضیل (۳) خَادِمُ: اسم فاعل، هستند.

۵۶ ≡ ۱ «علیا: بالاتر، بالاترین» اسم تفضیل مؤنث بر وزن فَعْلَى است و مذکر آن «أعلى» بر وزن «أفعل» است. سایر گزینه‌ها «سوداء: سیاه - بیضاء: سفید - صفراء: زرد» بر وزن «فَعْلَاء» بر رنگ دلالت می‌کنند بنابراین اسم تفضیل نیستند و مذکر آن‌ها «أَسْوَد - أَبْيَض - أَصْفَر» بر وزن «أفعل» هستند.

۶۷ ≡ ۲ «الخبير» با حرف «ال» در اول آن، به معنی «خوبی» اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها بعد از «خبیر» حرف جر یا مضاف‌الیه آمده و اسم تفضیل است: (۱) خَيْرٌ مِن: بهتر از (۳) خَيْرَ الشَّرِّينَ: بهترین [از] دو بدی (۴) خَيْرٌ مِن: بهتر از.

۵۷ ≡ ۴ «صَبَّار: بسیار شکیبا» بر وزن فَعَال بر بسیاری صفت دلالت می‌کند. سایر گزینه‌ها بر شغل یا ابزار دلالت می‌کنند بنابراین اسم مبالغه نیستند: (۱) الطَّيَّار: خلبان (۲) النَّظَّارَة: عینک (۳) فَتَّاحَة: در بازکن

۶۸ ≡ ۲ بعد از «خَيْرٌ» حرف جر آمده و اسم تفضیل است «خَيْرٌ مِن: بهتر از». در سایر گزینه‌ها «خَيْر» به معنی «خوبی» اسم تفضیل نیست: (۱) الخَيْرُ: خوبی (۳) الخَيْرُ: خوبی (۴) انسان برای هر خوبی، خوبی می‌بیند.

۵۸ ≡ ۳ «خَلَّاق: بسیار آفریننده» بر وزن فَعَال: اسم مبالغه - «عَلَمِي: داناتر، داناترین» بر وزن فَعْلَى: اسم تفضیل - «مُجَرَّب: آزموده» اولش (م) و عین الفعَل آن فتحه (-): اسم مفعول - «مُنْتَصِر: یاری‌دهنده، غالب، پیروز» اولش (م) و عین الفعَل آن کسره (-): اسم فاعل - «مَغْرِب: مکان غروب» بر وزن مَفْعَل: اسم مکان. توجّه: «مَغْرِب» به معنی «زمان غروب» اسم زمان نیز می‌باشد.

۶۹ ≡ ۲ «أصلح: اصلاح کند» فعل ماضی بر وزن «أفعل» و از مصدر «إصلاح» است. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل وجود دارد: (۱) بعد از «خَيْرٌ» حرف جر «مِن» آمده و اسم تفضیل است «خَيْرٌ مِن: بهتر از» (۳) بعد از «خبیر» مضاف‌الیه آمده «خَيْرَ الطَّالِب: بهترین دانش‌آموز» (۴) أَفْضَلُ: برترین

۵۹ ≡ ۴ اسم مکان از «رَجَعَ» بر وزن مَفْعَل، «مَرَجَع» می‌شود. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۷۰ ≡ ۲ «أفصح: فصیح‌ترین»؛ بعد از حرف جر اسم تفضیل است نه فعل ماضی. در سایر گزینه‌ها: (۱) خَيْرٌ مِن: بهتر از، اسم تفضیل است. (۳) «مَعْلومات» بر وزن مَفْعول و اسم مفعول است. (۴) «مَسْجِد» بر وزن مَفْعِل و اسم مکان است.

۶۰ ≡ ۲ «أعظم: بزرگ‌ترین / أخفى: مخفی‌ترین» بر وزن فاعل، اسم تفضیل هستند. توجّه: بعد از اسم تفضیل «أخفى»، مضاف‌الیه به شکل ضمیر آمده بنابراین در آخر با الف «أخفاهم» نوشته شده است.

۷۱ ≡ ۱ در سایر گزینه‌ها: (۲) المَعْلَمُون اسم فاعل / المَخْلَصُون: اسم مفعول (۳) غَافِلُون: اسم فاعل (۴) الأخرین: اسم تفضیل.

۷۲ ۲ «مَرَقَد: آرامگاه» بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان است.

۷۳ ۴ چهار اسم فاعل «المُعَلَّمَةُ / الطَّالِبَاتُ / الْمُجْتَهِدَاتُ / العَالِيَةُ».

۷۴ ۳ أَكْبَرُ: اسم تفضیل / «شُعراء» مفرد آن «شاعر» و اسم فاعل است. در سایر گزینه‌ها: (۱) المُنَائِبُ / الْمُخْتَلِفَةُ: اسم فاعل (۲) وجود ندارد. (۴) المُسْلِمِينَ / المُسْلِمَاتِ: اسم فاعل

۷۵ ۱ «كَافِرٌ» بر وزن فاعِل و «مُؤْمِنٌ» با «مُ» در اول و حرکت كسره (ـِ) عین الفعل، اسم فاعل هستند.

۷۶ ۱ الأَجْرَةُ: اسم فاعل - أَكْبَرُ: اسم تفضیل. خطا در سایر گزینه‌ها: (۲) مُشَاوَرَةٌ: مشورت کردن «مصدر است نه اسم مفعول». (۳) الطَّلَابُ: جمع و مفرد آن «طالِب» بر وزن فاعِل، اسم فاعل است نه اسم مبالغه. (۴) مُطَالَعَةٌ: مطالعه کردن «مصدر است نه اسم مفعول».

۷۷ ۴ العُمَالُ: جمع و مفرد آن «عامل»: اسم فاعل - المَصَانِعُ: جمع و مفرد آن «المَصْنَع» بر وزن مَفْعَل: اسم مکان - أَحْسَنُ: اسم تفضیل. در سایر گزینه‌ها: (۱) مَرِجَعُ: اسم مکان. (۲) مَنْزِلُ: اسم مکان - أَجْمَلُ / الأَخْرَيْنِ: اسم تفضیل. (۳) أَفْضَلُ: اسم تفضیل - المُعَلَّمِينَ: اسم فاعل.

۷۸ ۲ فقط اسم فاعل در عبارت آمده «شاهداً / مُبَشِّرًا». در سایر گزینه‌ها اسم فاعل و اسم مفعول با هم آمده: (۱) المُسْتَضْعَفُونَ: اسم مفعول - وارثون: اسم فاعل (۳) الكافرون: اسم فاعل - المحرومين: اسم مفعول (۴) المرسلين: اسم مفعول - مُبَشِّرِينَ / مُنذِرِينَ: اسم فاعل

۷۹ ۳ «العَلَامَةُ» به معنی «نشانه» اسم مبالغه نیست. در سایر گزینه‌ها اسم‌ها بر وزن «فَعَالٌ / فَعَالَةٌ» اسم مبالغه هستند: (۱) أَمَارَةٌ: بسیار امرکننده (۲) العَلَامَةُ: بسیار دانا (۴) غَفَارٌ: بسیار آمرزنده.

۸۰ ۴ «مَفَاتِحُ» جمع مَكْسَر و مفرد آن «مفتاح: کلید» اسم مکان نیست. جمع‌های مَكْسَر بر وزن «مَفَاعِلٌ» وقتی به مفرد بروند وزن «مَفْعَلٌ / مَفْعِلٌ» آن‌ها بر اسم مکان دلالت دارند: (۱) مَخَازِنُ (مَخْرَنُ): انبار (۲) المَصَانِعُ (المَصْنَعُ): آب انبار (۳) المنازل (الْمَنْزِلُ): خانه

۸۱ ۳ اسم تفضیل مؤنث «كَبْرَى» چون بدون «ال» یا بدون مضاف‌لیه آمده، باید مذکر «أكبر» باشد. اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها صحیح به کار رفته است.

۸۲ ۲ «لا يَكْلَفُ» با كسره (ـِ) عین الفعل، مضارع معلوم است نه مجهول. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۸۳ ۳ مصدر فعل «تَعَلَّمَ»، «تَعَلَّمَ» است نه «تعلیم». سایر گزینه‌ها درست

هستند

۸۴ ۲ تمامی فعل‌ها ماضی هستند. در سایر گزینه‌ها: (۱) اِنْكَبِرْنَ: امر -

اِقْتَرَبُوا: ماضی - تَكَبَّرُوا: ماضی و هم‌چنین امر. (۳) تَنَصَّحِينَ / تَلَقَّبُونَ: مضارع - تَحَرَّكْنَ: ماضی و هم‌چنین امر. (۴) تُسَافِرُ / تَتَعَبَّدْنَ: مضارع - تَكَاتَبَ: ماضی

۸۵ ۱ در سایر گزینه‌ها: (۲) اِنْعَطَفَ: بر وزن اِنْفَعَلَ (۳) اِسْتَعْفَرَ: بر وزن اِسْتَفْعَلَ (۴) اِسْتَقْبَلَ: بر وزن اِسْتَفْعَلَ

۸۶ ۴ در سایر گزینه‌ها، فعل‌هایی که بعد از حرف «ن» آن‌ها حرف «ت» آمده، بر وزن اِفْتَعَلَ هستند: (۱) اِنْتَحَرَ (۲) اِنْتَهَرَ (۳) اِنْتَبَهَ.

۸۷ ۲ در سایر گزینه‌ها، حرف «س» جزء حرف اصلی است بنابراین بر وزن «اِفْتَعَلَ» هستند. می‌توان گفت در مصدرهایی که بعد از حرف «ت» سه حرف باقی می‌ماند وزن اِفْتَعَلَ، و اگر چهار حرف باقی بماند، وزن اِسْتَعَالَ است.

۸۸ ۲ شکل درست فعل بر اساس ضمیر: «هَنَّ يُجَالِسَنَّ». سایر گزینه‌ها درست هستند.

۸۹ ۳ در این سؤال هم تناسب شخص و هم تناسب زمان مطرح است: ضمیر «أنت» دوم شخص مفرد مؤنث و فعل ماضی مناسب آن «عَرَسْتَ» و مضارع مناسب آن «تُعَرِّسِينَ» - ضمیر «نحن» اول شخص مفرد و فعل ماضی مناسب آن «حَصَدْنَا» و مضارع مناسب آن «نَحْصِدُ». توجه کنید که در گزینه ۴ فعل ماضی «حَصَدْنَا: درو کردیم» از نظر زمان نمی‌تواند بعد از فعل مضارع «تُعَرِّسِينَ: می‌کاری» اتفاق بیفتد.

۹۰ ۴ اسم اشاره در اول جمله اِسْمِيَّه، دلیل بر سوم شخص جمع مذکر و هم‌چنین مؤنث است، بنابراین فعل امر «كَلِّمُوا» که دوم شخص است مناسب جای خالی نیست.

۹۱ ۲ با توجه به ضمیر «أنا» اول شخص مفرد و هم‌چنین وجود حرف نفی «لا» فعل مناسب آن فعل مضارع «أَكْذِبُ» و با توجه به ضمیر متصل «كُ» دوم شخص مفرد مؤنث، فعل مضارع مناسب آن «لا تُصَدِّقِينَ» است.

۹۲ ۱ فعل ماضی «نَدِمْتُ» مناسب فاعل مؤنث «بِنْتِي» و هم‌چنین ضمیر متصل «ها» مناسب فاعل مؤنث است. ترجمه عبارت: «دختر کوچکم از کار بدش پشیمان شد»

۹۳ ۲ فعل مضارع مستقبل «سَوْفَ أُخْرَجُ» مجهول است. در سایر گزینه‌ها، حرکت عین الفعل در فعل‌های مضارع «لا تَلْقَبُوا - لا تُصَغِّر - يُجِبُّ - أن يأكل» دلیل بر معلوم بودن آن‌ها است.

۹۴ ۱ حرکت عین الفعل در فعل مضارع «يُرْسَلُ» دلیل بر معلوم بودن آن است. در سایر گزینه‌ها: (۲) يُرْزَقُونَ: مضارع مجهول (۳) أُمِرْتُ: ماضی مجهول (۴) خُلِقْتُ: ماضی مجهول، است.

۹۵ ۲ «يَدْخُلُونَ» فعل مضارع معلوم است نه مجهول. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۱۰۶ ۴ «التَّاسِي» مضاف‌الیه برای «شَرٌّ» است. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۱۰۷ ۱ «يَأْكُلُ» خبر به شکل فعل برای اسم قبل از خود «الْحَسَنُ: مبتدا» است. نقش کلمات در سایر گزینه‌ها: (۲) الْحَسَنَاتِ: مفعول برای فعلِ «يَأْكُلُ» (۳) التَّازِ: فاعل برای فعل «تَأْكُلُ» (۴) الحَطَبِ: مفعول برای فعلِ «تَأْكُلُ».

۱۰۸ ۳ «عِلْمٌ» مفعول برای فعلِ «جَمَعَ» است نه فاعل. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۱۰۹ ۱ «قَبِحٌ» مفعول برای فعلِ «يَسْتَوِي» است. در سایر گزینه‌ها: ۲ و ۴) فعل وجود ندارد. (۳) فعل «يَتَفَكَّرُونَ» ناگذر است و مفعول ندارد.

۱۱۰ ۲ ضمیر متصل «ي» در صورتی مفعول است که جزء شخص فعل نباشد و به معنی «به من، مرا» است، «أَدْخِلْ + نِ + ي: أَدْخِلْنِي: مرا وارد کن». در سایر گزینه‌ها: (۱) اِشْتَرَى: خرید؛ فعل ماضی سوم شخص مفرد / ضمیر «ي» در «أَبِي» و «أُخْتِي» مضاف‌الیه است. (۳) ضمیر «ي» در اَكْتَبِي: بنویس؛ فعل امر دوم شخص مفرد مؤنث، فاعل است. (۴) ضمیر «ي» در لَا تَطْبَعِي: چاپ نکن؛ فعل نهی دوم شخص مفرد مؤنث، فاعل است.

۱۱۱ ۳ «فِي صَفٍّ: جار و مجرور» - «الَّتَلَامِيذُ: مبتدا» و «يَجْتَبُونَ: خبر». در سایر گزینه‌ها بعد از جار و مجرور، فعل «يَنْزِلُ - يُحْصَدُ - لَا يَعْمَلُ» آمده بنابراین جمله فعلیه محسوب می‌شوند.

۱۱۲ ۳ در این عبارت، صفت وجود ندارد؛ ولی «خَيْرٌ» اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها: (۱) الْأَمَانَةُ - الْخِيَانَةُ: مفعول / شَرٌّ: اسم تفضیل / الْبَهَائِمُ: مجرور به حرف جر (۴) أَكْبَرُ: اسم تفضیل و هم‌چنین نقش خبر را برای «سورة» دارد.

۱۱۳ ۳ صفت در سایر گزینه‌ها: (۱) الْمُجَدُّ: صفت برای «الْفَلَّاحُ» (۲) قَلِيلٌ: صفت برای «طَعَامٌ» (۴) السَّادِسُ: صفت برای «الْيَوْمُ».

۱۱۴ ۴ در ترکیب «عَمَلْنَا الْقَبِيحَ»، «عَمَلٌ: مضاف و موصوف» - «نَا» مضاف‌الیه - الْقَبِيحُ: صفت؛ ترجمه آن: عمل زشت ما. در سایر گزینه‌ها یک اسم صفت و مضاف‌الیه را با هم ندارد.

۹۶ ۱ «تُحَوَّلُ» فعل مضارع معلوم است، بنابراین فاعل آن «الأشْجَعَةُ» مشخص و شناخته شده است. در سایر گزینه‌ها فعل مجهول هستند و فاعلشان ناشناخته است: (۲) يُعْرَفُ: مضارع مجهول (۳) أُخِذُوا: ماضی معلوم (۴) أُنْزِلُ: ماضی مجهول.

۹۷ ۴ اعداد ترتیبی بر وزن «فاعل» مناسب جای خالی هستند: «سادِسُ: ششم - ثامن: هشتم - عاشِر: دهم»

۹۸ ۴ اعداد اصلی مؤنث مناسب جاهای خالی هستند: «واحدة: یک - ثلاثة: سه - أربعة: چهار»

۹۹ ۴ «العاشِر: دهم» عدد ترتیبی است. اعداد در سایر گزینه‌ها اصلی هستند: (۱) سِتَّة: شش (۲) أَحَدَ عَشَرَ: یازده (۳) تِسْع: نه.

۱۰۰ ۳ «انْتَتَى عَشْرَةَ: دوازده» عدد اصلی است و نقش صفت ندارد. از بین اعداد اصلی عددهای «یک و دو» و همه اعداد ترتیبی می‌توانند نقش صفت را برای اسم قبل از خود داشته باشند: (۱) «انْتَتَى (دو): عدد اصلی و صفت برای لَعْتَيْنِ» (۲) واجدٌ (یک): عدد اصلی و صفت برای «إِلَهٌ» (۴) «الثَّالِثُ (سوم): عدد ترتیبی و صفت برای الفَصْلِ».

۱۰۱ ۳ هشت ضرب در هفت مساوی با «سِتَّةٌ و خمسين: پنجاه و شش»  $8 \times 7 = 56$ . عملیات ریاضی در سایر گزینه‌ها درست هستند: (۱)  $15 = 5 - 20$  (۲)  $100 = 93 + 7$  (۴)  $40 \div 2 = 20$

۱۰۲ ۲ ضمیر متصل «نا» جدا از شخص فعل امر است بنابراین نقش «مفعول» دارد «انْصُرْنَا: ما را یاری کن». نقش سایر گزینه‌ها درست است.

۱۰۳ ۲ فقط یک جمله فعلیه در گزینه‌ها داریم، بنابراین «مَنْ» فاعل برای فعل «لَا يَعْلَمُ» است.

۱۰۴ ۲ «المؤمنين» بعد از حرف جر، نقش مجرور به حرف جر را دارد نه صفت. سایر گزینه‌ها درست هستند.

۱۰۵ ۲ «أحدًا» با حرکت تنوین فتحه (ء)، نقش مفعول را در جمله فعلیه دارد. در سایر گزینه‌ها: (۱) «غیوب» با حرکت فتحه (ء)، نقش مفعول را در جمله دارد نه فاعل. (۳) المرء: مضاف‌الیه (۴) أوسط: خبر.